

علل تداوم احزاب سیاسی در ایران معاصر؛ جریان چپ، با تأکید بر اسناد حزبی

محمد تقی صادق فامیان قدیم*
محمد توحیدفام**

چکیده

احزاب سیاسی از یک سو رو در روی قدرت سیاسی و از سوی دیگر ریشه در اجتماعات انسانی و فعالیت در جامعه مدنی قرار می‌گیرند و به نسبت هر دو سمت، احزاب سیاسی واجد عللی برای تداوم یا عدم تداوم می‌باشند. احزاب چپ به عنوان بزرگ‌ترین و مستمرترین احزاب سیاسی در تاریخ معاصر ایران از این قاعده مستثنی نیست.

این پژوهش تلاش دارد تا به طور مقایسه‌ای به ریشه‌ها و علل تداوم مستمر احزاب چپ در دوره زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۶۲ پرداخته و این مهم را از مسیر بررسی اسناد درون حزبی این احزاب انجام دهد. سوال اصلی این پژوهش بیان می‌دارد که از منظر جامعه‌شناسی سیاسی عمده علل تداوم احزاب چپ از ۱۳۳۲ تا ۱۳۶۲ چه بوده است؟ لذا این پژوهش با تکیه بر روش اسنادی در پی به آزمون گذاشتن فرضیه اصلی است. فرضیه این پژوهش بیان می‌دارد که پایگاه اجتماعی سران احزاب چپ، فساد دربار، مبارزه با امپریالیسم و حمایت‌های اتحاد جماهیر شوروی در

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
ایران. Famian57@gmail.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول). Tohidfam_m@yahoo.com

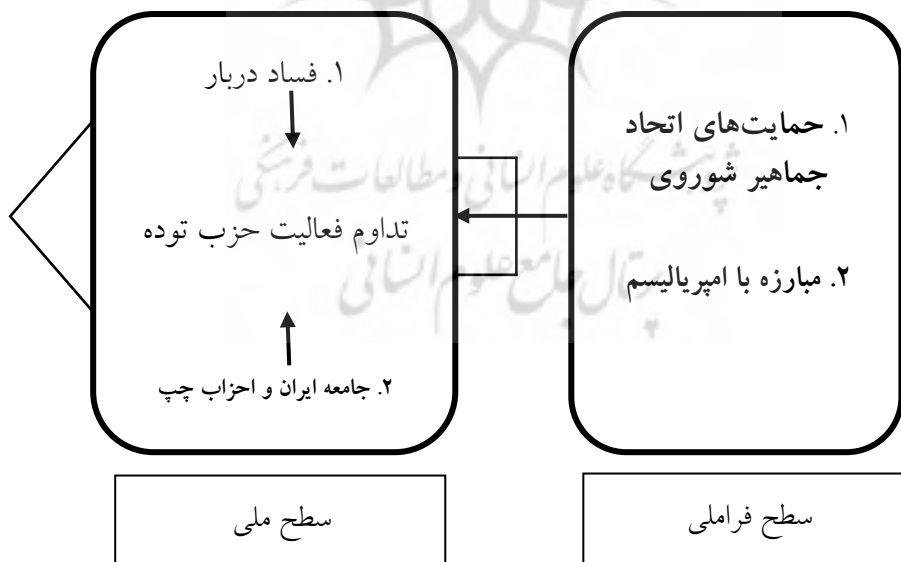
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۴

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the **Creative Commons Attribution 4.0 International**, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

چارچوب نظام دوقطبی غیرمنعطف به عنوان علل و عوامل اصلی تداوم احزاب چپ در دوره فعالیت این تشکل‌ها در ایران به شمار می‌آید.
کلیدواژه‌ها: حزب توده، نظام سیاسی، پایگاه اجتماعی، دوقطبی غیرمنعطف، شوروی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

درباره میزان و اهمیت نقش احزاب در تحولات سیاسی معاصر ایران، همچنین موانعی که بر سر راه آنها در تأثیر بیشتر بر نظم سیاسی در ایران وجود دارد بحث‌های مفصلی مطرح شده است. ساختار استبدادی و اقتدارگرای نظام سیاسی داخلی در کنار حمایت قدرت‌های جهانی معمولاً مهم‌ترین مانع شکل‌گیری احزاب معرفی شده است. از جهات مختلفی حزب توده بارزترین و عمیق‌ترین تجربه تحزب در ایران است. همواره در ارزیابی علل ناکامی این حزب دلایل مختلفی شمرده می‌شود؛ عوامل عمومی‌ای چون «سرکوب حکومت» و یا عوامل ساختاری‌ای هم چون ساختار طبقاتی پایگاه اجتماعی حزب، ساختار اندیشه‌ای و فقر فلسفی، ساختار طبقات اجتماعی. اما این تحقیق بنا دارد تا نقش توأمان متغیرهای اجتماعی و سیاسی داخلی - بین‌المللی را بر اساس الگوی مطالعاتی مشخصی مورد ارزیابی قرار دهد.



براساس این الگوی مطالعاتی، این پژوهش قصد آن دارد تا با ارزیابی نقش نظام جهانی، پایگاه اجتماعی سران حزب و فساد دربار، عمده علل تداوم فعالیت حزب توده در ایران را بررسی نماید. آنگونه که سه عامل متداخل فوق‌الذکر به زمینه‌سازی استمرار حزب توده در میانه‌ی سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۶۱ منجر شده‌اند. به بیانی روشن‌تر، در داخل و در حوزه حاکمیتی و به طور مشخص فساد سیاسی - اقتصادی دربار پهلوی روبرو هستیم که در کنار پایگاه اجتماعی سران حزب توده بخش عظیمی از زمینه‌سازی استمرار فعالیت حزب توده را علی‌رغم ممنوعیت فعالیت مهیا می‌سازد. از سوی دیگر این وضعیت داخلی به تنهایی زمینه‌ی استمرار فعالیت حزب توده را مهیا نکرده و ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل و به طور مشخص بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی با پشتیبانی از حزب توده به فعالیت ایشان علی‌رغم ممنوعیت و دستگیری وسیع اعضای حزب، کمک شایان توجهی داشته است.

۲. پیشینه ادبیات پژوهش و نوآوری پژوهش حاضر

کتاب‌ها و مقالات متعددی در باب حزب توده به انتشار رسیده که هر یک واجد نقاط قوت و ضعفی می‌باشد. برای نمونه آبراهامیان در کتاب «ایران بین دو انقلاب»، به بررسی جامعه‌شناختی و تحلیل پایگاه اجتماعی و قومی - طبقاتی حزب توده پرداخته است. اما او بدون در نظر داشتن عناصر فرهنگی در اجتماع ایرانی و تنها از دیدگاه جامعه‌شناسی، تأسیس حزب توده را بررسی کرده است. کتاب کژراهه از احسان طبری، خاطرات ایرج اسکندری، خاطرات انور خامه‌ای و کتاب خاطرات نورالدین کیانوری نیز همانند رویه خاطره‌نویسی، به مسائل روزمره و در مواردی آشکار کردن زوایا و اعمال بیان نشده و ناشناخته این حزب محدود می‌شوند و معمولاً چارچوب نظری نداشته‌اند. در مقابل در برخی از آثار هم‌چون کتاب «استالینسم و حزب توده در ایران» اثر الهه کولایی، تکوین و روند تحولات حزب توده و تأثیر خط‌مشی استالینی بر این حزب بررسی می‌شود که تا حدودی نگاهی فراملی داشته است. در حالی که یکی از جنبه‌های نوآوری این پژوهش آن است که توأمان از منظر داخلی و بین‌المللی و با نگاه جامعه‌-شناسی سیاسی صورت گرفته و با رجوع به اسناد حزبی فرضیه اصلی را مورد آزمون قرار داده است.

در کنار کتب، برخی از پژوهش‌ها در قالب مقاله نیز منتشر شده‌اند، مانند «جریان چپ، دیالکتیک روشنگری و انقلاب اسلامی» به قلم شمس‌الدین صادقی، «درآمدی بر تاریخ

نگاری حزب توده در ایران» به قلم سهیلا تربی‌فاریسانی و... مطرح می‌باشند که موضعی علمی نسبت به مسئله داشته‌اند.

با مطالعه و بررسی برخی از آثار پراجاع در این حوزه هم‌چون کتاب بابک امیرخسروی تحت عنوان «گذار از حزب توده»، کتاب مازیار بهروز با عنوان «ناکامی چپ در ایران»، کتاب محسن مدیرشانه‌چی با عنوان «پنجاه سال فراز و فرود حزب توده ایران» و کتاب محمود طلوعی با عنوان «گسستن و پیوستن» و آثاری از این دست می‌توان دریافت که غالب آثار در این حوزه غالباً با رهیافتی تاریخی و با توجه به دارا بودن موضعی درون‌حزبی، صرفاً به یک مقطع محدود فعالیت این حزب توجه داشته و الگویی کلان‌نگر از فراز و فرود این حزب ارائه نداده‌اند؛ در مقابل یکی از جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر توجه توأمان به رهیافت جامعه‌شناختی سیاسی در عرصه داخلی و بین‌المللی است که با تکیه بر اسناد حزبی صورت پذیرفته است.

۳. الگوی تاریخی فعالیت حزب توده

حزب توده، نقش عمده‌ای در تحولات سیاسی و اجتماعی دهه‌های بیست تا شصت ایفا کرده است. این حزب در سرآغاز پیدایی خود، به دلیل برنامه و راه سیاسی که بر تلاش برای رسیدن به خواسته‌های عادلانه و آزادی‌خواهانه جامعه و مردم ایران متکی بود، توانست با استقبال عمومی توده مردم، به ویژه روشنفکران ایران روبه‌رو شود.

در پی اشغال ایران از سوی متفقین، کناره‌گیری رضاشاه از سلطنت و آزادی شماری از زندانیان و تبعیدیان سیاسی، جلسه مؤسسان حزب توده ایران در ۷ مهر ۱۳۲۰، با حضور برخی از رهبران و اعضای پیشین حزب کمونیست ایران، تنی چند از فعالان سیاسی عصر مشروطه و عده‌ای از اعضای گروه پنجاه‌وسه نفر، در تهران تشکیل شد (اسکندری، ۱۳۸۱: ۱۱۴) آنها علت انتخاب نام «توده» برای حزب توده را باز بودن در آن به روی همه اقشار، عنوان می‌کنند (برهان، ۱۳۷۸: ۹۷). به این ترتیب بود که حزب توده در مدت کمی توانست با عرضه داشتن شعارهایی متناسب با خواسته‌های مردم و تعلیم روش مبارزه به طبقه محروم، اکثریتی را به دور خود جمع کند و به راحتی توانست در سال ۱۳۳۲ بیش از سی‌هزار عضو در ایران داشته باشد. (جامی، ۱۳۷۷: ۱۵۵).

چه در سال‌های اولیه و چه در دوره دهه ۲۰ هدف سیاسی‌ای که نشریات حزب توده بیان می‌داشتند مبارزه با فاشیسم و حمایت از متفقین در جنگ جهانی دوم (اسکندری، ۱۳۸۱: ۱۱۸) معرفی می‌شود؛ آنچنان که در اسناد حزبی ایشان می‌خوانیم؛ «حفظ استقلال و تمامیت ایران، برقراری حکومت دموکراسی و تأمین حقوق فردی و اجتماعی، مبارزه با استبداد، اصلاحات در نحوه استفاده از زمین و بهبود وضع کشاورزان، اصلاحات اساسی در امور فرهنگی و بهداشتی، برقراری تعلیمات اجباری و رایگان، تعدیل مالیات‌ها به نفع توده مردم، اصلاح امور اقتصادی و بازرگانی، توسعه صنایع و معادن و وسایل حمل‌ونقل، و ضبط اموال رضاشاه به نفع ملت ایران» (روزنامه سیاست، سال ۲۰، ش ۳، ۶ اسفند ۱۳۲۰: ۱). به این ترتیب حزب توده در آن سال‌ها به لحاظ شرایط بین‌المللی (درگیر بودن شوروی در جنگ جهانی) خود را ملزم به فعالیت در چارچوب قانون اساسی معرفی نمود و به دلایل تاکتیکی، موقتا از اجرای برنامه‌های رادیکال متداول احزاب کمونیست خودداری کردند (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۹). بر اساس این رویکرد و با توجه به خاطرات کیانوری (۱۳۷۲: ۶۸) می‌توان موسسین حزب را به چهار گروه دسته‌بندی نمود.

| گروه‌بندی | رویکرد سیاسی | نمونه تاریخی |
|------------|---------------------------|---|
| دسته اول | غالباً مارکسیست - کمونیست | بخشی از ۵۳ نفر |
| دسته دوم | ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی | سلیمان محسن اسکندری، پروین گنابادی، عبدالحسین نوشین |
| دسته سوم | کمونیست کلاسیک | اردشیر آوانسیان، رضا روستا |
| دسته چهارم | غالباً تکنوکرات | ایرج اسکندری |

آنچه در خصوص حزب توده در کنار اهداف آنها لازم است مورد توجه قرار گیرد نوع و حجم ارتباط ایشان با قدرت‌های بزرگ است. انور خامه‌ای در خصوص اینکه حزب توده با اجازه و توصیه دولت شوروی در ایران تاسیس گردید، در خاطرات خود می‌نویسد: «به سفارت شوروی مراجعه نمودند بر خلاف انتظار آنان با تاسیس حزب

کمونیست در ایران مخالفت گردید. سرانجام با وساطت رضا روستا، مشروط به رعایت شرایط خاص و توجه به موازین لازم اجازه تاسیس حزب از سوی مقامات شوروی صادر شد». (خاطرات انورخامه‌ای، ۱۳۷۵: ۷۶). از آن زمان به بعد تمامی فرازونشیب‌های حزب توده ناشی از سه‌گانه «تطور سیاست شوروی در ایران»، «شرایط بحرانی سیاست بین‌الملل» و «مولود تنش‌ها و مشکلات کادر رهبری» حزب بوده است. بر اساس این موارد و در مجموع می‌توان ادوار تاریخی حزب توده را بر اساس دوره‌های تاریخی، فعالیت‌ها و مهم‌ترین اتفاقات به قرار زیر بیان داشت.

| ادوار تاریخی | دوره زمانی | فعالیت حزب | مهم‌ترین اتفاق این دوره | نسبت با قدرت‌های بزرگ |
|--------------|--------------|--|--|---|
| دوره اول | ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ | از تاسیس تا آغاز پیدایش فرقه دمکرات | با حمایت شوروی و دخالت احمد قوام، هشت نماینده در مجلس شورای ملی دوره چهاردهم به دست می‌آورد. | پایه‌پای دیپلماسی شوروی |
| دوره دوم | ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ | از فرقه دمکرات تا کابینه قوام | توسعه کمی در شهرها (دوره طلایی حزب توده) | ادامه رابطه با شوروی |
| دوره سوم | ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷ | از کابینه قوام تا ترور شاه | اعلان رسمی غیرقانونی بودن | ادامه رابطه با شوروی |
| دوره چهارم | ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ | از اعلام غیرقانونی شدن حزب تا رد قرارداد الحاقی نفت گس - گلشایان | فرار رهبران حزب از زندان تشکیل هیأت اجرایی هشت نفری | ادامه رابطه با شوروی |
| دوره پنجم | ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ | از ملی شدن صنعت نفت تا کودتا | بازیابی تشکیلات حزبی در تهران | مخالفت با ملی شدن نفت و دستگیری بازگشت رژیم |
| دوره ششم | ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ | از پایان کودتا تا متلاشی شدن حزب | کشف سازمان نظامی حزب | ادامه رابطه با شوروی |
| دوره هفتم | ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۷ | از متلاشی شدن تا فرار از کشور | تشکیل کمیته مرکزی در آلمان شرقی | ادامه رابطه با شوروی |
| دوره هشتم | ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ | از فرار از کشور تا انحلال | کیانوری دبیر حزب می‌شود | ادامه رابطه با شوروی |

مجموع رخداد‌های تاریخی فراز و فرود حزب توده را می‌توان بر اساس الگوی مطالعاتی ارائه شده مورد بازخوانی قرار داد و متعاقب آن به علل تداوم فعالیت حزب توده در ایران دست یافت

۴. ساختار سیاسی و اجتماعی ایران و تقابل‌های حزب توده با آن

مرکزی‌ترین محور تبیین نظام اجتماعی و ساختار سیاسی در دوره پهلوی دوم از سوی حزب توده بر پایه آموزه‌های مارکسیستی (جبر تاریخی) بنا شده است. بر اساس دست نوشته‌های طبری (۱۳۴۸: ۱۵) دولت متمرکز پهلوی واجد ویژگی‌های استبدادی و فئودالی (بعدها سرمایه‌داری) است و بر همین اساس حزب توده برای سیر تاریخی ایران تحولاتی مطابق با تحولات نظریات مارکسیستی قائل بودند.

به این ترتیب حزب توده چهره حاکمیت پهلوی تا دهه چهل را فئودال - بورژوایی، یعنی همزیستی دو وجه تولید عنوان می‌کند (طبری، ۱۳۵۶: ۶۴). حزب توده در اسناد سازمانی خود در این خصوص می‌نویسد: «نظام نیمه فئودالی در نتیجه تغییراتی که در دهه چهل روی داد، در آستانه زوال قرار گرفت و با شکل‌گیری نظام اصلاحات، مرز واقعی ایران پیش از سرمایه‌داری و پس از سرمایه‌داری مشخص گردید و پدیده سرمایه‌داری وابسته که در حال رشد بود، به نظام پایدار تبدیل شد و با نظام سرمایه‌داری جهانی و یا به تعبیری سرمایه‌داری امپریالیستی پیوند یافت» (اسناد و دیدگاه‌ها، ۱۳۶۰: ۶۷۶).

دومین محور دیدگاه‌های حزب توده در شناخت ماهیت دولت پهلوی، مسئله وابستگی است. از نگاه حزب توده اصلاحات ارضی سرفصلی بر دوره وابستگی مجدد نظام پهلوی به نظام سرمایه‌داری و امپریالیسم جهانی است (قدسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۵). آنگونه این اصلاحات به جهت برقراری پایگاه جدیدی برای حضور استعمارگران قلمداد می‌شود که به دنبال «تثبیت رژیم دست‌نشانده»، «تثبیت اوضاع اجتماعی» و «برچیدن نظام کهنه فئودالی به قصد گسترش سرمایه‌داری» انجام گرفته است (طبری، ۱۳۴۱: ۴۳۸).

مقوله وابستگی که مهم‌ترین ویژگی دولت پهلوی از منظر حزب توده می‌باشد، مقوله‌ای نو در مناسبات بین‌المللی محسوب می‌شد که با تلاش نظام مستعمراتی گسترش یافته بود. به اعتقاد حزب توده، کشورهای رها شده از قید استعمار اسیر مناسباتی شدند که «نواستعمار» یا «وابستگی» نام گرفت. سازوکارهای این نوع وابستگی پیچیده‌تر از

سازوکارهای استعمار علنی بود و شیوه‌های آن نیز متفاوت بودند (قدسی‌زاده، ۱۳۸۹ : ۱۳۷). در این دیدگاه دوقطبی شدن جهان و آغاز دوران جنگ سرد، دو قطب قدرت یعنی امریکا و شوروی و وابستگان آنها (در مقیاس جهانی) را از هم مجزا می‌شوند. به زعم حزب توده، ایران در دوره پهلوی در اردوگاه غرب قرار می‌گرفت و طبیعی بود که حزب توده به دلیل وابسته بودن به حزب کمونیست شوروی از اردوگاه شرق پشتیبانی نماید؛ لذا بر اساس اسناد رسمی این حزب بین می‌شود که «میلیتاریسم یا نظامی‌گری ویژگی بارز دیکتاتوری پهلوی، به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد بود. لذا حزب توده در تبیین ماهیت دولت، دیکتاتوری، اختناق، حکومت پلیسی و میلیتاریستی را شاخص این ویژگی‌ها دانستند که منشأ آن سلطنت مطلقه و مستبد شاه بود» (اسناد و دیدگاه‌ها، ۱۳۶۰ : ۱۰۵).

همچنین در سندی دیگر می‌خوانیم:

«از منظر حزب توده مهم‌ترین رکن دیکتاتوری پهلوی فردپرستی نظام سیاسی و فساد سازمان‌یافته دربار است که در تمامی فرامین شاه و کلیه شئون سیاسی و اجتماعی و تغییر کاربری مجلس به صورت اداره ثبت منویات ملوکانه و ثبت سهم درباریان حضور و بروز دارد» (سالنامه حزب توده، ۱۳۴۹ : ۲۲۹).

به این ترتیب و در مجموع حزب توده نظام پهلوی را واجد ویژگی‌هایی هم‌چون «تحکیم‌کننده رشته‌های پیوند با نظام سرمایه‌داری»، «تقابل و اقدام علیه نظام سوسیالیستی»، «شکل‌دهنده و افزایش‌دهنده قدرت فردی و اعمال استبدادی» و «دیکتاتوری ضدتوده‌ها» معرفی و شناسایی می‌نمایند (بنگرید به اسناد و دیدگاه‌ها، ۱۳۶۰ : ۳۹۶، ۴۳۵، ۴۴۹، ۶۵۵). هرچند که در انتهای در پی سوءقصد به جان محمدرضا پهلوی در بهمن ۱۳۲۷ و به سبب انتساب آن به حزب توده، حزب منحل شد (اطلاعات، سال ۲۳، ش ۶۸۵۴، ۱۷ بهمن ۱۳۲۷ : ۱).

در مقابل و در کنار بررسی کم‌وکیف مبارزات این حزب با ساختار سیاسی آنچه نیاز است مورد بررسی قرار گیرد، موضع حزب توده در تقابل با هنجارهای اجتماعی ایران می‌باشد. مهم‌ترین هنجار تاریخ اجتماعی ایران، مذهب است و حزب توده نیازمند آن بود که موضع خود را نسبت به این موضوع روشن نماید.

هرچند که حزب توده تا قبل از کنگره دوم سعی کرد تمایلات مارکسیستی خود را ظاهر نسازد؛ اما در داخل حزب از همان آغاز، اصول مارکسیسم - لنینیسم برای کادرها تدریس می‌شود و همزمان حزب از اعلان مواضع مارکسیستی خود با توجه به شرایط

اجتماعی و فرهنگی ایران و بافت مذهبی آن اجتناب می‌کرد. بر اساس این سیاست است که رهبری حزب در معرفی مبانی عقیدتی و اهداف خود می‌نویسد «حزب توده ایران نه تنها مخالف مذهب نیست، بلکه به مذهب به‌طور کلی و مذهب اسلام خصوصاً احترام می‌گذارد و روش حزبی خود را با تعلیمات عالیه مذهب محمدی منافی نمی‌داند، بلکه معتقد است که در راه هدف‌های مذهب اسلام می‌کوشد... حزب توده ایران حامی جدی تعلیم مقدس اسلام خواهد بود» (نامه مردم، ۱۵، دی، ۱۳۲۵).

حزب توده به عنوان یک سازمان سیاسی در ایران، در طول دوران فعالیت خود با مسئله رابطه دین و دولت مواجه است و اوج تبلور این مواجهه در آستانه انقلاب اسلامی نمایان می‌شود. در این دوران، رهبران حزب توده تحت تأثیر مخیله جمعی ایرانی، حتی در آستانه وقوع انقلاب اسلامی، بر اتحاد میان دین و دولت به وسیله شرکت رهبران مذهبی در فرایند حکومت تأکید می‌کنند؛ به طوری که مذهب تشیع را به لحاظ تاریخی دارای ظرفیت‌های مناسب برای حاکمیت سیاسی می‌دانند (بنگرید به کیانوری، ۱۳۵۶: ۱۲). هر چند که نورالدین کیانوری در یکی از مقالات خود، این بایستگی دین و دولت را در قالب تلفیقی از اسلام و سوسیالیسم مطرح می‌کند (کیانوری، ۱۳۶۱: ۲۹). او در فردای انقلاب اسلامی، در نقد موضع گروه‌های دیگر چپ، بر این پیوند مذهب و سیاست از جانب حزب توده تأکید می‌کند (کیانوری، ۱۳۷۳: ۱۵). اما علی‌رغم تمام این تلاش‌ها، مسیر تاریخی و تصمیمات حزب توده در دوره‌های متمادی چهره دیگری از آنها نمایان ساخت.

حزب توده همواره از همان آغاز کوشید از برخورد عقیدتی با روحانیت اجتناب ورزد. آنها اسلام را به‌طور کلی نیروی عظیمی برای آزادی بشر و پیشگام مساوات سوسیالیستی می‌دانستند و هر فرد حزبی که کفرگویی کند (!) اخراج می‌شود؛ زیرا اسلام مذهب اکثریت وسیع توده مردم است (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۲۳۹). تا به آنجا که حزب توده نگران از تقابل و تعارض با مردم، از نامیدن خود به «کمونیست» اِبا داشت (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۲۵۴) هرچند که در مجموع می‌توان بیان داشت که حزب توده در طی زمان به تقابل ایدئولوژیک مارکسیسم و اسلام و فقدان زمینه برای پذیرش مارکسیسم پی‌برده بود و به همین دلیل در برنامه حزبی خود سعی کرد با حذف مواضعی که برای مسلمانان ایجاد حساسیت می‌کرد، احساس تنفر مذهبیون را از بین ببرد یا لاقط کاهش دهد، اما در نهایت و در پاییز ۱۳۳۱ حزب با انتشار جزوه «برنامه‌ی حزب توده‌ی ایران برای مرحله کنونی از تکامل اجتماعی کشور ما»، رسماً حزب توده

را حزب طبقه کارگر و دارای جهان‌بینی مارکسیستی - لنینیستی معرفی نمود. (جامی، ۱۳۷۷ : ۶۳۳).

۵. تقابل با امپریالیسم؛ مسئله حزب توده در خارج از کشور

یکی دیگر از مجموعه علل و عوامل تداوم فعالیت حزب توده در تاریخ ایران را می‌توان در نسبت با امپریالیسم (برداشتی مارکسیستی) از قدرت‌های استعماری جهان عنوان نمود.

بر اساس این برداشت بود که در سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ فعالیت‌های سیاسی حزب توده ایران عمدتاً عبارت بود از موضع انتقادی به حضور مستشاران امریکایی در ایران و سپس مخالفت با آن (کامبخش، ۱۳۲۳ : ۱)، مبارزه با سیدضیاءالدین طباطبائی و متحدانش و شرکت در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی (کامبخش، ۱۳۶۰ : ۶۴) بود.

اما برای نمونه می‌توان به رفتار دوگانه حزب توده در مواجهه با اعطای امتیاز نفت شمال (۱۳۲۳) به امریکایی‌ها و روس‌ها اشاره داشت که با اعطای آن به امریکایی‌ها مخالفت و با واگذاری به شوروی موافقت^۲ کردند (کامبخش، ۱۳۶۰ : ۱۹۶). حزب توده بر این اساس به شدت اعتقاد داشت که هیچ حرکت ضدامپریالیستی، بدون بهره‌گیری از کمک‌های اردوگاه شرق نمی‌تواند به پیروزی واقعی دست یابد (بسوی آینده، سال ۱، ش ۱۶۴، ۲۶ آبان ۱۳۲۹ : ۱).

در مجموع لازم به بیان است که حزب توده در موضوع نهضت ملی‌شدن نفت در ایران به پیروی از سیاست شوروی و در تضاد بین آمریکا و شوروی و همچنین وجود ذهنیت‌های خاص در مورد رهبری انقلابی جنبش ملی، موضعی تخریبی علیه آن اتخاذ کرد و ناخواسته به مواضع انگلستان نزدیک شد. این دست مواضع اشتباه در برخی موارد حتی از سوی برخی عناصر داخلی حزب نیز مورد انتقاد قرار می‌گرفت. البته که در مقابل اتحاد جماهیر شوروی نیز حمایت‌هایی را از حزب توده به عمل می‌آورد.

حضور ارتش سرخ در ایران یکی از سازوکارهای حمایتی روس‌ها از حزب توده بود که سبب تسریع و تسهیل در رشد حزب توده شد. پس از مرگ لنین همانطور که انتظار می‌رفت، استالین‌گرایی از طریق کمینترن به احزاب کمونیست وابسته به آن نیز راه یافت و سبب پرستش رهبران این احزاب و همچنین سبب زیر پا نهادن اصول دموکراسی و احترام به قانون اساسی در این احزاب شد. مسکو مرکز کمینترن بود و اعضای کمیته مرکزی بسیاری از احزاب کمونیست در آنجا زندگی می‌کردند. مبارزان کمونیست نیز از کشورهای دیگر برای بررسی راه‌های مبارزه با امپریالیسم و ایادی داخلی آن در کشورهای خود به مسکو می‌رفتند، به طوری که مسکو به «ستاد کمونیسم جهانی» مبدل شده بود. هرچند که این گروه نیز از مصیبت تصفیه‌ها و ترورهای استالینی مصون نماندند، عده زیادی از ایشان در جریان تصفیه‌های استالین به قتل رسیدند. به این ترتیب با آنکه سران حزب از اعتراف به ماهیت کمونیستی آن به شدت پرهیز کردند اما در عمل و تصمیم‌گیری تابعی از سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی بوده و جهت‌گیری و منش سیاسی مارکسیستی داشتند. این‌گونه بود که در طول فعالیت این حزب، نظریه‌پردازان حزب توده جهان را همانند استالین، به دو اردوگاه دموکراتیک و ضدامپریالیست، امپریالیست و ضد دموکراتیک تقسیم می‌کردند.

احسان طبری در کتاب «القبای مبارزه» که در دوران حیات استالین نوشته شده بود، نوشت: «از آنجا که شوروی نخستین و نیرومندترین کشور سوسیالیستی و پایگاه استوار سوسیالیسم است، لذا دوستی با اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی که لنین آن را بنیاد نهاده یعنی «سویتیزم» به نظر حزب، یکی از بخش‌های مهم انترناسیونالیسم پرولتاری است» (القبای مبارزه، طبری، : ۴۹) به نظر وی کم بها دادن به دوستی به شوروی برای یک ایرانی «خطای محض» است. هرچند که مستندات گویای رابطه‌ای بیش از دوستی میان حزب و روس‌ها است و در عمل حزب توده از همان آغاز شوروی‌گرایی را جانشین انترناسیونالیسم کارگری کرد. این امکان نیز وجود دارد که حزب توده برای بهره‌برداری از حمایت شوروی، این همسایه قدرتمند شمالی چنین سیاستی را در پیش گرفته بود. حزب توده بر اساس آموزش‌های استالین که حمایت از

انقلاب جهانی بدون حمایت از شوروی را در جبهه ضد انقلاب قرار گرفتن می دانست، اعلان می کند: «حزب، امروز نیز مانند هر وقت دیگری عقیده دارد ملاک انقلابی بودن هر حزب و هر گروه و فردی، دوستی و احترام وی به کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول به کشور اتحاد جماهیر شوروی است، که لنین بزرگ بانی و بنیانگذار آن است» (اسناد تاریخی، ج ۱: ۳۹۸). لذا کار به جایی می رسد که آنها دیگر از این که خود را یک حزب مارکسیست - لنینیست معرفی کنند ابایی ندارند (اسناد تاریخی، ج ۲: ۱۷۰).

هرچند که شوروی و حزب کمونیست مرکزی آن کشور پاسخی مناسب این رفتارها و تصمیمات حزب به ایشان نمی دهد و برای نمونه زمانی که در پی تشدید اختلاف احزاب کمونیست چین و شوروی و نیز در ادامه بحران در حزب توده ایران، عده‌ای از اعضای حزب توده در اروپای غربی که رهبری حزب و مشی آن را سازش کارانه و غیرانقلابی می دانستند، در پیروی از دیدگاه‌های مائوتسه تونگ (رهبر چین)، در ۱۳۴۲ از حزب توده ایران انشعبا کردند و سال بعد «سازمان انقلابی حزب توده ایران» در خارج از کشور را تشکیل دادند که حدود ۹۰٪ اعضای حزب توده در اروپای غربی به آن پیوستند (کیانوری، ۱۳۷۲: ۴۳۲).

۶. ععل تدوام حزب توده؛ تقابل با نظام سیاسی و ساخت اجتماعی در انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به دنبال ایجاد فضای باز سیاسی، مسأله فعالیت حزب توده در داخل کشور و انتقال کمیته مرکزی آن از آلمان شرقی به ایران، مورد توجه مقامات حزب کمونیست شوروی و کا.گ.ب قرار گرفت (ضابط‌پور، ۱۳۸۰: ۲۲۵). در این دوران، کیانوری که با برکنار کردن جناح رادمنش توسط هیئت اجرایی کمیته مرکزی، رهبری حزب توده را به دست گرفته بود، با برنامه‌های عملی و سیاسی تلاش کرد در فضای انقلاب ایران و در سایه رهبری خود، نظرات خود را به رویکرد غالب حزب تبدیل کند؛ بنابراین پایه‌های تحولات و هیجانات انقلاب، مبانی فکری استراتژی تازه حزب در حمایت بی‌قید و شرط از رویکرد امام خمینی^(ره) یا به اصطلاح خود، «خط امام» را تکوین کرد و با اقتدار و قدرت نامحدود درون حزبی، حزب توده را به سمت پیگیری سیاست همکاری با انقلاب سوق داد. کیانوری در مقام رهبری حزب،

باور داشت که نیروهای اسلامی - انقلابی که در حول امام خمینی^(ره) گردآمده‌اند، متحدان اصلی و جدید حزب در انقلاب در شرف تکوین ایران در پیکار با امپریالیسم آمریکا هستند و پیوستن به انقلاب ایران در ذهن رهبران حزب توده، پیوند با روند انقلاب جهانی و حرکت جهان به سوی سوسیالیسم بود (محرم‌خانی، ۱۳۹۳: ۱۲۷). این باور پیش از انقلاب اسلامی نیز در قالب تشکیل جبهه ضددیکتاتوری «برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی محمدرضا شاه» در ذهن رهبران حزب توده وجود داشت (کیانوری، ۱۳۵۷: ۷۲). کیانوری بعد از کسب مقام دبیر اولی موضع حزب را پشتیبانی همه جانبه از امام خمینی^(ره) و سوق دادن فعالیت به داخل کشور، اعلام می- دارد (کیانوری، ۱۳۵۸: ۴۹۴). حزب توده در تظاهرات سال ۱۳۵۷ با صدور چند اعلامیه از جنبش انقلابی مردم، پشتیبانی کرد. آنها در اعلامیه ۲۷ دی ۱۳۵۷ در پلنوم پانزدهم ابتکار امام خمینی^(ره) را در تشکیل شورای انقلاب اسلامی تأیید و پس از تعیین مهندس بازرگان به نخست وزیری، لزوم پشتیبانی از دولت او را تأکید کرد (نجاتی، ۱۳۸۶: ۳۲۹). کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸ می‌نویسد: «بر پایه دفاع از دستاوردهای انقلاب و ... و برای عقیم ساختن توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب، حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی مربوط به «مجلس بررسی نهایی» شرکت می- جوید» (حزب توده ایران، ۱۳۵۹: ۱۴۴) و یا در پلنوم شانزدهم حزب بیان می‌شود: «اولین و مهم ترین وظیفه حزب ما در این زمینه (فعالیت سیاسی) کوشش در این راه است که با همکاری همه‌جانبه با همه نیروهای راستین انقلابی خلق ما و در درجه اول با نیروهایی که تحت رهبری آیت‌الله خمینی قرار دارند، نهال جوان پیروزی به دست آمده را، ... تحکیم کند» (حزب توده ایران، ۱۳۶۰: ۴۱).

به گفته کیانوری (کیانوری، ۱۳۷۲: ۴۲۸) حزب توده ایران، با آغاز نهضت امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲ از آن پشتیبانی کرد و رادیو پیک ایران واقعه پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ را تظاهرات مردم به جان آمده از دیکتاتوری شاه را ارزیابی نمود (تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۲، سند ش ۴/۱۲۴) و سخنرانی آیت‌الله خمینی در مدرسه فیضیه را پنخس کرد (کیانوری، ۱۳۷۲: ۴۲۸). اما ماجرا بعدها به گونه‌ای دیگر پیش رفت.

بعدتر که لازم بود حزب توده در مورد مسائلی هم‌چون مسئله دمکرات کردستان، دولت لیبرالی مهندس بازرگان، حمایت از اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان

پیرو خط امام، ادعای مشارکت در دفاع مقدس، مقابله تبلیغاتی با خط بنی‌صدر و حتی ارائه برخی اطلاعات به نهادهای انقلابی علیه ضد انقلاب راست و چپ موضع‌گیری کند (کیانوری، ۱۳۷۲: ۶۸-۸۸)، چهره واقعی حزب توده و نسبت آن با انقلاب اسلامی هویدا شد.

از آن سو مهم‌ترین عاملی که سبب فعالیت آزادانه حزب توده در چهار سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی شد، تعهد نظام نسبت به «اصل آزادی عقیده» بود. امام^(ه) در آخرین روزهای اقامت خود در پاریس به صراحت بر این اصل تأکید ورزیده و اعلام داشتند که در نظام آینده «مارکسیست‌ها آزاد خواهند بود خواسته‌های خود را بیان کنند، اما آزادی توطئه علیه کشور را نخواهند داشت» (روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۲۶/۱۰).

یکی دیگر از مواردی که حزب نیاز بود در خصوص آن موضع‌گیری نماید مسئله کردستان بود. این حزب در اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، در مورد مسئله کردستان می‌نویسد «حزب توده ایران معتقد بود و هست که مسئله کردستان باید در چارچوب دفاع از انقلاب ایران و تضمین حقوق ملی خلق کرد حل شود...» (حزب توده ایران، ۱۳۵۹: ۱۸۳). بر اساس این موضع‌گیری حزب توده حتی از جمهوری اسلامی می‌خواست پاسداران انقلاب را برای دفاع از انقلاب به سلاح‌های سنگین مجهز کند (نامه مردم، ۱۳۵۹/۴/۳، ش ۲۴۳).

موضوع دیگر مسئله لانه جاسوسی بود. در مسئله تسخیر لانه جاسوسی آمریکا نیز حزب توده از مشی امام خمینی^(ه) حمایت می‌کند و در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ کمیته مرکزی حزب طی اعلامیه‌ای بیان می‌دارد «حزب توده ایران که خود از مبارزان اصلی بر ضد امپریالیسم آمریکاست، این آگاهی و دلیری مردم ایران و درک درست مشی امام خمینی^(ه) را تحسین می‌کند و تهنیت می‌گوید (حزب توده ایران، ۱۳۵۹: ۲۳۵).

حزب توده با این که تا مدتی بعد از انقلاب نیز خود را همسو با امام و ملت نشان می‌داد، سرانجام با بازگشت به منافع حزبی خود رودرروی نظام و جریان اسلامی قرار گرفت (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۷۳). آنچنان که طی سال ۱۳۶۲، رهبران حزب توده یک‌به‌یک بر صفحه تلویزیون ایران ظاهر شدند و به جرایم خود، از جمله جاسوسی برای اتحاد شوروی و تدارک براندازی جمهوری اسلامی ایران، اعتراف کردند. پس از سال

۱۳۶۲ حزب توده دیگر در داخل کشور موجودیت سیاسی فعالی نداشت (بهروز، ۱۳۸۰ : ۲۲۰-۲۲۱).

پس از این وقایع بود که حزب توده به دو گروه اقلیت و اکثریت تقسیم شد؛ گروه اقلیت با اتخاذ مشی مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی، در جنگ با نظام شکست خورد و از بین رفت. افراد گروه اکثریت که روش منافقانه و مخفی را برای مبارزه با نظام در پیش گرفته بودند، پس از خیانت حزب توده، دستگیر شدند و یا از کشور گریختند (آبراهامیان، ۱۳۸۳ : ۵۹۱). با توجه به مطالب فوق، در مجموع می‌توان فعالیت حزب توده در نظام جمهوری اسلامی ایران را به چهار دوره زیر تقسیم کرد.

| ادوار تاریخی | دوره زمانی | مهم‌ترین اتفاق این دوره |
|--------------|-----------------------------|--|
| دوره اول | اول فروردین تا آخر اردیبهشت | بازگشت به داخل کشور |
| دوره دوم | سراسر سال ۱۳۵۸ | جذب گروه‌ها، محفل‌ها و افراد و متشکل ساختن آنها |
| دوره سوم | از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ | اوج فعالیت حزب در دوره انقلاب اسلامی برگزاری گردهمایی هفدهم کمیته مرکزی در فروردین ۱۳۶۰ در تهران |
| دوره چهارم | از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲/۰۲/۰۶ | کشف ارتباط شبکه مخفی نظامی حزب توده با سازمان امنیتی شوروی اجرای عملیات امیرالمومنین ^(ع) و انحلال فعالیت |

با توجه به جدول فوق، نکات ذیل در خصوص عملکرد حزب توده در سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ و همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی قابل توجه است. در هر دو مقطع تاریخی حزب توده سخت از غیرقانونی شدن پرهیز دارد و می‌کوشد تا به هر بهایی سیاست‌های واقعی خود را مکتوم دارد؛ همان‌گونه که در دوره اول فعالیت علنی (۱۳۲۰ - ۱۳۲۷) حزب توده خود را مقید به قانون اساسی مشروطه سلطنتی وانمود می‌کرد، در دوره دوم فعالیت علنی (۱۳۵۸ - ۱۳۶۱) نیز خود را وفادار به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وانمود می‌کرد. بر اساس این رویکرد اساسی حزب توده در فردای انقلاب

اسلامی می‌توان جهت‌گیری و مواضع حزب توده در حمایت از منافع شوروی را بر سه رکن استوار بود: اول؛ «موازنه مثبت در رابطه با شوروی و انگلیس، در قضیه امتیاز نفت شمال و بحران آذربایجان و کردستان تابع همین سیاست»، دوم، «حریم امنیتی شوروی» و سوم «سرشت غیراستعماری دولت سوسیالیستی».

۷. نتیجه‌گیری

در انتها و در پاسخ به سوال اصلی می‌توان بیان داشت که حزب توده در دوره پیش از انقلاب اسلامی با نقد فساد سیاسی - اقتصادی دربار پهلوی و توأمان مخفی نگه‌داشتن رویکردهای مارکسیستی خود توانست به فعالیت خود ادامه دهد و این دو علت داخلی در کنار حمایت‌های اتحاد جماهیر شوروی را می‌توان به عنوان علل تداوم فعالیت حزب توده عنوان نمود. این در حالی است که در فردای انقلاب اسلامی با مرکزیت قرار گرفتن هنجارهای دینی و رفع فساد سیاسی - اقتصادی در ساخت حاکمیتی (به واسطه بروز انقلاب اسلامی) تا حدود زیادی علل تداوم فعالیت حزب توده مختوش گشت؛ اما همچنان پایگاه اجتماعی حزب توده و حمایت‌های اتحاد جماهیر شوروی سبب‌ساز استمرار فعالیت حزب توده در دوره پس از انقلاب اسلامی می‌شود. لذا در انتها می‌توان بیان داشت که

اول؛ در تطور حیات سیاسی جریان چپ، توجه به خاستگاه طبقاتی رهبریت این جریان و سیاست حمایت بدون قید و شرط از دولت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان کشور مادر به ترجیح منافع آن کشور بر منافع ملی انجامید که در کنار چالش‌های تثوریک و عدم انطباق نظریات کمونیستی در ایجاد انقلاب اسلامی در ایران و حضور جنبش مذهبی و فرهنگ مردم ایران باید آن را از موانع مهم ناکامی‌های این جریان برشمرد و سبب‌ساز تبدیل علل تداوم به علل عدم تداوم این حزب شد.

دوم؛ یکی از کارویژه‌های احزاب، ایجاد ارتباط بین مردم و زمامداران و تجمیع و انعکاس مطالبات مشروع و قانونی مردم به نظام است، یعنی احزاب، نمایندگان خود را به مقام‌های دولتی برمی‌گزینند و این نمایندگان رابط بین مردم و حکومت هستند، اما حزب توده از آنجایی که از میان مردم به وجود نیامده بود و به‌طور مستقیم به دستور مقامات شوروی تشکیل شده بود، همواره به جای این‌که سیاست‌ها و تصمیمات دولت را با مردم در میان بگذارد و مطالبات قانونی و مشروع مردم را به حکومت منتقل سازد، مجری سیاست‌های شوروی بود و در مسیر پس از انقلاب اسلامی رفته‌رفته پایگاه

اجتماعی خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین علل تداوم از دست داد. بر اساس این دو یافته می‌توان موارد زیر عنوان کرد:

۱. دوگانه بلوک غرب / بلوک شرق به مفهوم مقابله با امپریالیسم معنا می‌دهد اما با وقوع انقلاب اسلامی مفهوم مقابله با استکبار جهانی، رهبران هر دو بلوک را نشانه می‌گیرد و علل تداوم به علل عدم تداوم تبدیل می‌شود.

۲. مبانی اندیشه مارکسیست - لنینیستی به مفهوم «خلق ستم‌دیده» (از ادبیات حزب توده) محوریت می‌دهد و عامل تداوم فعالیت ایشان می‌شود اما با وقوع انقلاب اسلامی توجه به ملت و امت مسلمان محوریت می‌یابد و تفاوت‌های ایدئولوژیک حزب توده با رویکردهای اسلامی هویدا می‌شود.

۳. حزب توده در کنار انقلابیون به دنبال سرنگونی رژیم پهلوی (عامل تداوم) است اما هدف آنها برقراری دولت و حکومت سوسیالیستی است و هدف انقلابیون برقراری دولت و حکومت اسلامی (عدم تداوم حزب توده) است.

۴. حزب توده به عنوان حزبی در کشور پیرامون به فکر مبارزه با کشورهای مرکز (صرفاً غربی) بود و انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی و نه غربی» مرکزیت هر دو بلوک شرق و غرب را نفی می‌نمود.

۴. ایدئولوژی مارکسیستی و سوسیالیستی در تقابل با ایده سلطنت پهلوی، مجالی برای حضور در جامعه و مقابله با فساد پیدا می‌نمود (تداوم)؛ این در حالی است که در دوره انقلاب اسلامی توان رویاروی نظری با دین اسلام شیعی و تداوم و پذیرش مردمی را نداشت (عدم تداوم).

۵. در سطح بین‌المللی ایران در دوره پهلوی به عنوان یک کشور پیرامون در بلوک غرب بود و زمینه حضور، فعالیت و تداوم حزب توده به واسطه حمایت‌های شوروی فراهم بود و با انقلاب اسلامی و خروج ایران از وضعیت پیرامونی در بلوک غرب، زمینه حضور، فعالیت و تداوم حزب توده منتفی گشت.

در مجموع می‌توان بیان داشت که هرچند که حزب توده در برهه‌ای از زمان توانست با استفاده از احساسات ضد استعماری مردم، در میان کارگران به ویژه کارگران نفت جنوب، به پایگاه اجتماعی کارگری دست یابد؛ ولی خط سیر فعالیت‌های ایشان سابقه تاریخی نامبارکی از خود برجای گذاشت. خط‌مشی سیاست خارجی حزب در دفاع و حمایت از منافع شوروی، فقط یک اتهام نبود، بلکه حقیقت و نقطه تاریک دیگری در

ذهنیت تاریخی مردم ایران که استقلال کشورشان از اولویت‌های درجه اول آنان به حساب می‌آید نسبت به حزب توده بر جای گذاشت.

پی‌نوشت

۱. کیانوری در خاطرات خود و در مورد تاسیس حزب توده می‌نویسد: «حزب توده ایران در مهر ماه ۱۳۲۰ تاسیس شد و نام توده برای آن انتخاب شد تا یک جبهه وسیعی را در بر بگیرد و فقط به کمونیست‌ها محدود نشود» (کیانوری، ۱۳۷۲: ۶۹).
۲. بنگرید به نامه رهبر، سال ۲، شماره ۴۰۲، ۲۱ مهر ۱۳۲۳.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۳). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه کاظم فیروزمند و محسن مدیرشانه‌چی. تهران: نشر مرکز.
- احمدی، حمید (۱۳۸۱). «جریان‌شناسی چپ در ایران». کتاب نقد، تابستان، شماره ۲۳. از صفحه ۲۲۱ تا ۲۵۲.
- اسکندری، ایرج (۱۳۸۱). *خاطرات ایرج اسکندری: دبیر اول حزب توده ایران (۱۳۴۹-۱۳۵۷)*. تهران: بی‌نا.
- اسناد و دیدگاه‌های حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۱۳۶۰). تهران: حزب توده ایران.
- اعلامیه هیأت اجراییه به رفقای حزبی (۱۳۲۵). *نامه مردم*، شماره اول، دوره پنجم (۱۵ دی ۱۳۲۵).
- بادامچیان، اسدالله (۱۳۸۰). *هیات‌های مؤتلفه اسلامی*، تهران: اوج.
- برهان، عبدالله (۱۳۷۸). *کارنامه حزب توده و راز سقوط مصدق*، تهران: نشر علم.
- بهروز، مازیار (۱۳۸۰). *شورشیان آرمانخواه*، ترجمه مهدی پرتوی، تهران: انتشارات ققنوس.
- پژوهش جامی (۱۳۷۷). *گذشته چراغ راه آینده است* (تاریخ ایران در فاصله دو کودتا)، ویراستار بیژن نیک‌بین، تهران: ققنوس.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۲). «بررسی چرایی حذف دو جریان ملی‌گرا و چپ از ائتلاف انقلاب پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران». فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی. تابستان، شماره ۲۳. از صفحه ۶۱ تا ۸۲.

علل تداوم احزاب سیاسی در ایران معاصر؛ ... ۸۹

جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷). حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی (۱۳۶۸-۱۳۲۰)، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

حزب توده (۱۳۵۹). اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران، تهران: انتشارات حزب.

حزب توده (۱۳۶۰). اسناد و دیدگاه‌ها، حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب، تهران: حزب توده ایران.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۴). «تاثیر هویت اسلامی - انقلابی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای در دوره خاتمی و احمدی‌نژاد»، مجله علوم سیاسی (باقرالعلوم)، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۱۰۲ - ۷۵.

روزنامه دنیا، ۱۳۳۱

روزنامه سیاست، ۱۳۴۲

روزنامه کیهان ۱۰، ۲۶، ۱۳۵۷

روزنامه کیهان ۲، ۱۵، ۱۳۶۸

روزنامه نامه رهبر، ۱۳۲۳

روزنامه نامه مردم ۱۳۲۵

روزنامه نوید، ۱۳۵۷

زعیم، کورش (۱۳۷۷). *جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد*، تویسرکان: نشر تاخ.

سالنامه حزب توده ۱۳۴۹

ضابط‌پور، غلامرضا (۱۳۸۰). «ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران معاصر». فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم. زمستان، شماره ۱۶.

طبری، احسان (۱۳۵۶). «اسلام و سوسیالیسم». دنیا. د ۳.

طبری، احسان (۱۳۶۸). *از دیدار خویشتن، یادنامه زندگی. به کوشش ف. شیوا. سوئد: نشر باران.*

طبری، احسان (۱۳۴۱). «ماهیت و هدف‌های اصلاحات نیم‌بند شاه و امپریالیسم» در اسناد و دیدگاه‌های حزب توده (۱۳۶۰). تهران: انتشارات حزب توده ایران.

طبری، احسان (۱۳۴۸). *بررسی‌هایی درباره برخی از جهان‌بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران. بی-جا، بی‌نا.*

طبری، احسان (۱۳۶۶). *کثرراهه (خاطراتی از حزب توده)*، تهران: امیرکبیر.

قدسی‌زاده، پروین (۱۳۸۹). «ماهیت دولت پهلوی از دیدگاه حزب توده ایران». فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران. دانشگاه الزهراء. سال ۲۰، دوره جدید، شماره ۶، پیاپی ۸۵، تابستان.

کامبخش، عبدالصمد (۱۳۶۰). *شمه‌ای درباره تاریخ جنبش کارگری ایران: سوسیال دموکراسی انقلابی*، حزب کمونیست ایران، تهران: حزب توده ایران.

کیانوری، نورالدین (۱۳۵۶). «حزب توده ایران و روحانیت مبارز». نشریه سیاسی و تئوریک دنیا. س ۲. ش ۴.

کیانوری، نورالدین (۱۳۵۸). پرسش و پاسخ. تهران: انتشارات حزب توده ایران.

کیانوری، نورالدین (۱۳۶۱). *حکم تاریخ به پیش می‌رود*. تهران: انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران.

کیانوری، نورالدین (۱۳۷۳). *مقاله تحلیلی از انقلاب ۱۳۵۷*. تهران: انتشارات حزب توده ایران.

کیانوری، نورالدین (۱۳۷۲). *خاطرات نورالدین کیانوری*، تهران: انتشارات اطلاعات.

محرم‌خانی، فریبرز (۱۳۹۳). «بررسی موضع حزب توده در قبال انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران. دانشگاه الزهراء. سال ۲۴، دوره جدید، شماره ۱۳، پیاپی ۹۸، بهار و تابستان. ۱۲۵ تا ۱۴۸.

مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۷۰). *سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

نجاتی، غلامرضا، (۱۳۸۶). *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*. تهران: رسا.

هفته‌نامه به‌سوی آینده ۱۳۲۹.